

ابنا: موضوع گفتگوی ما در مورد احمد الحسن مدعی یمانی است، چون فعالیت‌های احمد الحسن به بحث یمانی مربوط می‌شود، در ابتدا در مورد یمانی و خروج یمانی مختصری توضیح دهید.

- بسم الله الرحمن الرحيم. ما در باب علائم دو نوع علائم حتمی و غیر حتمی داریم و پنج نشانه حتمی و محتوم می‌باشد و در روایات نیز به همین نام محتوم از آنها یاد شده است. یکی از آنها خروج یمانی و سفیانی است و در روایات تاکید شده است که خروج یمانی و سفیانی در یک ماه، یک روز و یک ساعت اتفاق می‌افتد. خسف بیداء یعنی فرو رفتن سپاه سفیانی در منطقه‌ای بین مکه و مدینه، ندای آسمانی و قتل نفس زکیه از نشانه‌های دیگر قبل از قیام امام زمان (عج) می‌باشند.

در ابتدا نکته‌ای را عرض می‌کنم که اگر آن را خوب توضیح دهیم شاید تمام ادله احمد الحسن یکجا باطل گردد. ما در ادله مهدویت بین ظهور و قیام آن حضرت تفاوت نگذاشته‌ایم و این باعث انحرافات شده است. در ادبیات عامیانه ظهور و قیام حضرت یکی است اما حقیقت امر این است که بین ظهور و قیام تفاوت وجود دارد. در روایات عموماً هر جا صحبت از ظهور می‌شود، می‌گویند این امر ناگهانی است؛ «مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ» جز ناگهان بر شما روی نمی‌دهد، مانند قیامت است. و در روایت دیگر آمده است که احدی جز حق از آن یعنی ظهور حضرت آگاه نیست.

از طرف دیگر در روایاتی برای ظهور حضرت علامت می‌آورد، که این نشانه دادن ظهور و آن ناگهانی بودن در نگاه اول تناقض دارد. برای پیشگیری از این تناقض باید ما بین ظهور و قیام حضرت تفاوت قائل شویم، قیامی که در روایات با نام خروج از آن یاد شده است.

اعتقاد مسلم شیعه بر این است که باب نیابت خاص حضرت مسدود است. ما در روایت داریم نفس زکیه سفیر امام است. سفیر یعنی از طرف امام مأموریت خاصی را باید انجام دهد و عبارت دیگر سفیر، نایب است. در اینجا انسداد نایب خاص حضرت خدشه دار شده و راه را باز می‌نماید تا افرادی مثل احمد الحسن بگویند که من همان یمانی هستم، اما این یمانی باید قبل از قیام بیاید نه قبل از ظهور. و اینجا دو حادثه اتفاق می‌افتد و این علائم مربوط به خروج و قیام حضرت است. در حالی که هنوز حضرت، ظهور نکرده است احمد الحسن چگونه مدعی است که یکی از نشانه‌های قیام حضرت است؟

ابنا: در مورد شخصیت یمانی که در روایات آمده است به اختصار توضیح دهید. آیا این شخصیت مثبت است یا منفی؟

- ما در اصل وجود یمانی یعنی اینکه شخصی که به یمانی مشهور است خروج می‌کند، حرفی نداریم و حتمی

است. ما در بحث یمانی داریم که در زمان خروج یمانی خرید و فروش سلاح حرام است، این مباحث جزئیات و فرعیات این موضوع است. حتمی، خروج یمانی است و اینکه ما در زمان خروج یمانی، پرچمی هدایت یافته‌تر از پرچم یمانی نداریم به طریق اولی نشان می‌دهد اصل شخصیت یمانی چهره‌ای مثبت است، و یمانی دقیقاً در مقابل جریان سفیانی قرار می‌گیرد.

یکی از اشکالاتی که ما به احمد الحسن که مدعی یمانی بودن است داریم این است که بر فرض محال شما همان یمانی هستید، همان روایتی که شما بر آن استناد کرده‌اید، آیا نمی‌گویید که یمانی با سفیانی در یک روز و یک ساعت خروج می‌کند و یمانی به مقابله با سفیانی می‌رود؟ پس سفیانی کجاست؟ اگر داعش را بگویند که با آن در سال اختلاف ظهور دارند و باز هم بر فرض محال تر قبول کنیم که داعش یا آل سعود یا رژیم صهیونیستی همان سفیانی است که می‌گویید، پس چرا به مقابله با آن نمی‌روید؟ زیرا جنگ با سفیانی از وظایف یمانی است که در روایات مشخص شده است. اصلاً جنگ پیش کش شما، چرا احمد الحسن حتی یک بیانه نیز بر ضد این سفیانی‌های زمان، نداده است.

#### **ابنا: در مورد احمد الحسن و شخصیت او و اعتقادات و مراحل ادعای یمانی بودنش توضیح دهید.**

- شخصی که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم، شخصی به نام احمد اسماعیل گاطع متولد ۱۹۷۳ میلادی در بصره در شهر زبیر از قبیله سیامور است که خود را سید معرفی کرده تا با ۵ واسطه خود را به امام زمان (عج) برساند. در زمان صدام حسین، این شخص مقدمات حرکت خود را قبل از ادعای یمانی بودن پی ریزی کرد. مثلاً به فقرا کمک می‌کرد و سعی می‌کرد بین مردم وجهه مثبتی پیدا کند و خود را انسان با تقوایی نشان می‌داد. در ضمن این حرکات، این شخص در دانشگاه بصره فوق لیسانس عمران می‌گیرد و بعد از آن دو سال در حوزه شهید صدر در نجف درس می‌خواند و معمم می‌شود. یکی از دلایلی که پشت این جریان احمد الحسن دست‌های پنهان وجود دارد این است که اینها مدعی هستند که حتی یک برگ فتوایی شناسنامه، عکس، مدرک دانشگاهی و... از وی در حوزه و دانشگاه موجود نیست و این را یک نشانه می‌دانند و ادعا می‌کنند امر خدا بر آن شد که این مدارک از بین بروند و باقی نمانند. در حالیکه علم پیامبر (ص) و امامان (ع) اکتسابی نیست بلکه الهی و از سوی خداست. احمد الحسن ادعای عصمت می‌کند و بر فرض عصمت، باید علم الهی داشته باشد ولی درس خوانده است و این نشانه دیگری بر باطل بودن این مدعی دروغین است.

احمد الحسن پس از نابودی حکومت صدام با همکاری شخصی بنام حیدر مشطط ادعای خود را مبنی بر اینکه امام زمان (عج) (را در خواب دیده، ارائه کرد، نظیر کاری که دقیقاً بهائیت انجام داد. این جریان به گمان من دقیقاً تجدید بهائیت است زیرا اکنون تاریخ مصرف بهائیت در زمینه مهدویت و خاتمیت و سایر مباحث تمام شده است

و برای ما خطری ندارد البته نباید از آن چشم پوشی کرد و همچنان باید مراقب باشیم.

جریان احمد الحسن دقیقا کپی جریان بهائیت حتی در تلون عقیده است. احمد الحسن از رؤیت امام در خواب به رؤیت امام در بیداری و از آن به بابیت امام که نوعی دیگر از یمانی بودن است، رسیده است. و به تازگی مبلغان این جریان چهره‌ای از احمد الحسن معرفی می کنند که کاملا مطابق با امام زمان (عج) است. یعنی به مرور مطابق جریان بهائیت در حال انتقال کارکردهای امام زمان (عج) به احمد الحسن هستند. و بعید نیست که احمد الحسن ادعای پیامبری و خدایی نیز بکند. البته از چهره این افراد کاملا مشخص است که این کاره نیستند و رهبری و هدایت این جریانات از طرف دست‌های پشت پرده‌ای است که قصد ضربه زدن به اسلام را دارند.

**ابنا: جریان احمد الحسن و پیروانش با چه استدلال‌هایی مردم را به طرف خود جذب می کنند؟**

- اولین گام و یکی از مهم‌ترین مولفه‌ها اینان در بحث تبلیغ، رد و انکار علم رجال است زیرا می‌دانند که علم رجال همچون سدی محکم جلوی انحراف از روایات و احادیث است. مبلغان این جریان از همان اول می‌گویند که ما چیزی به نام علم رجال نداریم و دیگر شما نمی‌توانی بگویی فلان حدیث فلان مشکل را دارد.

جالب است بدانید این جریان عمر کوتاهی دارد حداکثر ۱۲ سال؛ و در همین مدت کوتاه چندین انشعاب در آن بوجود آمده است و هر کدام در این انشعابات روش خود را دارند و بزرگان این انشعابات یکدیگر را قبول ندارند که همین از دلایل باطل بودن آن است.

ما به جریان حاکمی که جریان احمد الحسن را تبلیغ می‌کند و به انصار عراق معروف هستند، می‌پردازیم و مهم‌ترین دلیل‌هایی که می‌آورند را بررسی می‌کنیم. یکی از ادله‌ای که اینها زیاد هم استفاده می‌کنند این است که ما در بحث مهدویت چندین روایت داریم که تاکنون کسی نظیر احمد الحسن آن‌ها را برای ما توضیح نداده است و احمد الحسن اولین شخص است که این مفاهیم را برای ما تبیین کرده، پس او بر حق است. و این یکی از مهم‌ترین دلایل آنان است.

اولین شخصی که به علی محمد شیرازی ایمان آورد شرح آن در کتاب تاریخ بهائیت وجود دارد و جالب است. می‌گوید شخصی وارد شیراز شد و جوانی به دیدنش آمد، جوان بیگانه پرسید که برای چه کاری به شیراز آمده‌ای؟ او گفت برای پیدا کردن امام زمان (عج) به اینجا آمده‌ام. جوان پرسید که آیا نشانه‌ای هم داری؟ گفت بله در روایات آمده که امام زمان سنش کمتر از ۲۰ و بیش از ۳۰ نیست و سایر خصوصیات را بیان کرد. جوان گفت: آیا این نشانه‌ها را در من می‌بینی؟ پیرمردی که نامش «ملا حسین بشرویه ای» بود گفت بله تمام این نشانه‌ها را در تو می‌بینم. آن جوان که همان علی محمد شیرازی بود گفت من همان امام زمان هستم. می‌بینید که چقدر مضحکانه اولین نفر به علی محمد شیرازی ایمان آورد و از آن مضحکانه‌تر نیز دلیل مبلغان جریان

احمد الحسن هست که عرض کردم.

من همیشه گفته‌ام که مبلغان یمانی اگر کتاب‌های علی محمد شیرازی را خوانده بودند ۱۰۰٪ بهایی شده بودند زیرا آنان نیز به همین روش از روایات برای اثبات خود استفاده می‌کنند. اگر کتاب «ایقان» حسین علی نوری، پیامبر ساختگی بهایی را خوانده بودند نیز همین اتفاق برایشان می‌افتد. اگر این طریق استدلال را قبول دارند تا الان یا باید بابی، یا بهایی یا حداقل قادیانی شده بودند و از بی‌سوادی و عدم دسترسی به منابع، پیرو این جریان شده‌اند.

به طور کلی اینها در استفاده ابزاری از روایات، روایات را یا جعل، یا تقطیع و یا تحریف می‌نمایند. مثلاً ده روایت را نقل و از هر کدام یک کلمه گرفته و می‌گویند پس ثابت شد که احمد الحسن همان یمانی موعود است، این کاری است که هرکسی می‌تواند آن را انجام دهد.

یکی دیگر از مهم‌ترین ادله‌ی اینها خواب است و عنوان می‌کنند که شما نیت کنید احمد الحسن را در خواب ببینید و یک سری اذکار "من در آوری" نیز به شخص می‌دهند که بخوانید و سه روز هم روزه بگیرید، امام زمان به خواب شما می‌آید و می‌گوید با پسر من بیعت کنید. اتفاقاً خیلی‌ها هم اینکار را کردند و در خواب چیزی ندید. گرچه بر فرض محال اگر کسی در خواب چیزی ببیند، حجیت ندارد.

جالب اینجاست که تا به اینها می‌گوییم که خواب حجت نیست، می‌گویند پس مسجد مقدس جمکران چیست؟ آنها اینقدر بی‌سواد هستند که نمی‌دانند که حسن بن مثله جمکرانی را از خواب بیدار کردند و جریان کاملاً در عالم واقعیت اتفاق افتاد و خواب مطرح نیست.

بحث دیگر اخبار غیبیه‌ای است که می‌گویند احمد الحسن پیش بینی کرده است. مثلاً می‌گویند از سقوط صدام خبر داده است. در زمان حاضر دیگر خبر از غیب دادن مطلب حل شده‌ای است. گفته می‌شود شاه نعمت‌الله ولی در شهر کرمان پیشگویی‌هایی کرده که به واقعیت پیوسته است. ما تحقیق کردیم و دیدیم که وی حدود ۱۰۰ پیشگویی انجام داده و از بین آنها فقط دو پیشگویی، آن هم به طور کلی نه در جزئیات به واقعیت پیوسته است که از این نمونه‌ها در طول تاریخ فراوان است.

مبلغان این جریان همیشه می‌گویند که ما آماده مناظره با علمای اسلام، مسیحیت و یهود در هر جای دنیا هستیم. یک نمونه از مناظره‌ها را عرض می‌کنم: خبر احمد الحسن به آیت‌الله سید صادق روحانی از مراجع مقیم در قم رسید. ایشان فکر کردند احمد الحسن جوانی است که وجه برایش مشتبه شده است و ما وی را آگاه می‌کنیم که به مرگ جاهلی از دنیا نرود. احمد الحسن گفت من اگر به ایران بیایم مرا به قتل می‌رسانند. آیت

الله روحانی که فهمید قضیه فراتر از مشتبه شدن وجه است فرمود، خب بگوئید کجا هستید من بیایم .گفت نه، شما می‌خواهید آدرس مرا پیدا کرده و مرا به قتل برسانید. آیت الله روحانی مجدداً گفتند که یک کشور سومی پیدا کنید تا در آنجا با هم مناظره کنیم ولی احمد الحسن نیامد. آیت الله روحانی گفتند من ۴۰ جلد کتاب در فقه نوشته‌ام، شما اشکالات کتاب مرا بگوئید، مگر شما امام نیستید و عصمت ندارید؟! احمد الحسن گفت من وقت خواندن کتاب شما را ندارم. درحالی‌که اگر بر فرض محال، احمد الحسن عصمت داشت با علم الهی سریعاً باید می‌گفت در جلد فلان، صفحه فلان مشکل دارد.

مناظره کردن این افراد - به اصطلاح آماده - نیز اینگونه است و کاملاً شعاری است. عده‌ای فریب این جریان را خورده‌اند و یک طرفه فقط ادعاهای اینها را شنیده و چشم و گوش بسته قبول کرده‌اند. متأسفانه یکی از مشکلات ما این است که امروز در زمینه مهدویت خوب ورود پیدا نکرده و به سؤالات جوانان پاسخ درست نداده‌ایم .

یکی دیگر از دلایلی که این مبلغان جریان احمد الحسن استفاده می‌کنند باب استخاره است که عنوان می‌کنند شما نیت کنید، کتاب را باز کنید، خود قرآن شما را راهنمایی می‌کنند. استخاره‌هایشان نیز این گونه است که به سود خود تعبیر می‌کنند و کاملاً عوام فریبانه است یعنی اگر خوب بیاید می‌گویند: «احمد الحسن بر حق است» و اگر بد بیاید می‌گویند: «اگر به احمد الحسن ایمان نیاوری دچار بلا می‌شوی.» در ضمن ما نباید این اصل را فراموش کنیم که استخاره حجت نیست.

مبلغان این جریان مدعی هستند احمد الحسن دارای کرامت است. یکی از کرامت‌های این فرد مدعی دانستن محل قبر حضرت زهرا (س) (است و می‌گوید که کنار قبر امام حسن مجتبی (ع) است. حدود سه سال پیش در خوزستان نیز مدعی وجود داشت که دقیقاً همین ادعا را داشت ولی آدرس دیگری می‌داد. این چه کرامتی است که نتوانیم آن را ثابت کنیم و کرامات احمد الحسن همه از این دست و ثابت نشده است.

**ابنا: چه نوع افرادی از طرفداران جریان احمد الحسن هستند و مبلغان احمد الحسن از چه ابزارهایی جهت اشاعه افکار انحرافی خود و جذب افراد استفاده می‌کنند؟**

- شبهه امر باطلی است که خود را به حق شبیه می‌کند و اندک اندک جای حق را می‌گیرد، به گونه‌ای که دیگر شما حق را نمی‌بینید. جریان احمد الحسن فرقه نیست زیرا فاکتورهای آن را ندارد بلکه یک جریان است و در اصل شبهه‌ای در مهدویت است که خاستگاه آن بحث خروج یمانی است. جوانان مذهبی ما که به دنبال مباحث مهدویت هستند، هدف این جریان انحرافی قرار می‌گیرند.

مهم‌ترین ابزار تبلیغی آن‌ها اینترنت است. جوان مذهبی ما وارد تالارهای گفت‌وگوی مذهبی به اسم امام زمان

(عج) می‌شود و این سایت‌ها و تالارها متعلق به جریان احمد الحسن است؛ یعنی استفاده ابزاری از اسم امام زمان (عج) برای رسیدن به اهداف خود. هیچ وقت حرفی از احمد الحسن در سردر این تالارها نیست و معمولاً به اسم امام زمان (عج) است. اطلاعات جوانان ما نیز در بحث مهدویت اطلاعات تخصصی نیست و هنگامی که وارد این تالارها می‌شوند آن‌ها یکسری اصولی را استفاده می‌کنند نظیر اخلاق حسنه - به مبلغان این جریان توهین می‌شود اما اخلاق خوب را رعایت می‌کنند - و به وسیله آن جوانان را جذب و پس از آن ادعاهای خود را مطرح و جوانان را فریب می‌دهند.

بنده با نظر برخی دوستان که صراحتاً می‌گویند مبلغان این جریان پول می‌گیرند، مخالف هستم. این اولین جریان سازی انحرافی استعمار نیست بلکه ده‌ها شبهه وارد اسلام و تشیع کرده و تبدیل به جریان شده است. نحوه ورود این جریان‌ها متفاوت از یکدیگر نبوده است. حالا ما بگوییم فلان مبلغ جریان احمد الحسن ماهی فلان دلار پول می‌گیرد و من این فرد را می‌شناسم و مطمئن هستم که این فرد یک دلار هم پول نگرفته است. این حرف باطل باعث می‌شود که من دیگر حرف‌های راست مخالف احمد الحسن را هم قبول نکنم. لذا این بسیار مهم است که ما در پاسخگویی به این جریانات انحرافی تا علم نداریم سخن نگوییم و وقتی که عالم به آن شدیم تا وقتی که سندی برای اثبات حرف خود نداریم برای مبارزه به این جریانات ورود نکنیم .

نحوه عمل استعمار برای این جریان‌های انحرافی نیز کاملاً مشخص است که یک سری نیرو با مواجب دارد و یک سری نیرو بی‌مواجب. پس ما در جریان احمد الحسن افرادی داریم که پول می‌گیرند مثلاً نفر اول تبلیغی این جریان که ساکن سوئد است و به ایران آمد و شروع به تبلیغ این جریان کرد، پول‌های هنگفتی دریافت می‌کند و برای این ادعایمان نیز سند داریم. اما این شخص قرار نیست که هرکسی را با خود همراه کرد با پول باشد. شما وقتی من را شست و شوی مغزی بدهید، من با شما همراه هستم تا زمانی که در صداقت شما برای من خدش‌های وارد نشود. شست و شوی مغزی یک اصل برای مبلغین این جریانات استعماری است و اینان اصول روان‌شناسی نحوه برخورد با افراد گوناگون را می‌دانند. کسانی که به این طریق جذب این جریان‌های انحرافی می‌شوند همان کسانی هستند که ندانسته این کار را انجام و هنگامی که پای بحث افراد درست می‌نشینند، متوجه می‌شوند که فریب خورده‌اند.

یکی دیگر از ابزارهای این افراد برای ترویج این جریان انحرافی، دروغ‌گویی است و به قول معروف مثل آب خوردن دروغ می‌گویند. در جریان بهائیت شخصی به نام عبدالحسین آیتی ملقب به آواره داریم، وی مدتی بهایی بودند و در آن زمان بهایی‌ها آب دهان او را برای تبرک می‌بردند. خداوند به ایشان عنایت کرد، مستبصر شد و یک کتاب با نام «کشف الحیل» در رد بهائیت نگاشت. وی یک سخنرانی حدود ۳۹ یا ۴۰ سال پیش انجام داد که در آن رسماً اعتراف می‌کند که من از بچگی فلج مادرزاد بودم. از طرف بهائی‌ها نامه‌ای برایش آمد که شما

در سخنرانی‌هایت بگو، من شب خواب عبدالبهاء را دیدم، رفتم خوابم را مسجد تعریف کردم، مسلمانان ریختند و پای من را شکستند و اینگونه مظلوم نمایی کن. وی گفت، من به آنان گفتم که مردم می‌دانند من فلج مادرزاد هستم و دروغ ام برملا می‌شود و آبروی من می‌رود. گفتند این صلاح امر است و باید گفته شود.

یکی از مبلغای احمد الحسن داستانی تعریف کرد که یکی از همسایگان ما احمد الحسن را انکار کرد و به منزل رفت. سقف خراب شد و پایش شکست و خیلی تلاش کرد که توانست زنده بماند. بعد به حقانیت احمد الحسن پی برد و به او ایمان آورد. در جلسه‌ای نشسته بودیم و از قضا گوینده این جریان و خود آن شخص هم که پایش شکسته بود، آنجا بودند. جریان را از ایشان سوال کردم که آیا اینگونه بوده است؟ او گفت شکستن پای من متعلق به سه سال پیش است که گچ سقف کنده شد، افتاد و پای من شکست و در آن زمان اصلاً جریان احمد الحسن وجود نداشت که به آن ربط داشته باشد. به آن مبلغ احمد الحسن گفتم فلانی، این آقا چی می‌گوید؟ این آقا که منکر داستان شما شد؟ شخص پا شکسته گفت: برای من همه چیز مشخص شد و از این جریان انحرافی برائت می‌کنم و بلافاصله محل را ترک کرد. گفتم فلانی جواب شما برای این دروغی که گفتید چیست؟ گفت برای صلاح امر لازم است انسان برخی اوقات بعضی حرف‌ها را بزند.

این داستان یک نمونه از دروغگویی‌های این افراد است.

**ابنا: روایت وصیت که مبلغین جریان احمد الحسن از آن برای حقانیت ادعاهای خود استفاده می‌کنند، چیست؟**

- اینان اول می‌گویند که یک از سنت‌های برجای گذاشته از پیامبر وصیت است. بعد می‌گویند آیا ممکن است پیامبری که این همه به وصیت سفارش کرده، خود وصیت نکرده باشد بعد این روایت وصیت را نقل می‌کنند که ۱۰٪ از نظر سلسله سند و علم رجال مشکل دارد. روایت وصیت این است: پیامبر(ص) در شب وفات خود به امام علی (ع) فرمودند: وصی بعد از من تو هستی و زمانی که زمان فوت تو رسید، امامت را به فرزندت حسن تسلیم می‌کنی و ادامه پیدا می‌کند تا امام زمان (عج) تا اینجا روال حدیث کاملاً روشن است. در ادامه حدیث عبارتی آمده «یا علیّ سیکون بعدی اثنا عشر اماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدیاً» یعنی بعد از امام دوازدهم، دوازده مهدی می‌آید. بعد پیامبر(ص) این دوازده مهدی را نام می‌برد. اول آن‌ها هم نام من و هم نام پدر من است و سه نام دارد: احمد، عبدالله و مهدی.

جدای از مشکل سندی این روایت، ما معتقدیم که پیامبر(ص) در جاهای مختلف که بزرگ‌ترین آن، اجتماع غدیر بود و حدیث معروف ثقلین را فرمودند، وصیت نموده و امام علی (ع) را به عنوان وصی خود معرفی کرده است. حال اگر اینان منکر این قضیه بشوند که پیامبر برای خود قبل از شب وفات وصی انتخاب نکرده است که اصل اعتقاد شیعیان را زیر سوال می‌برند.

نکته دیگر این است که طبق روایت خودشان، این شخص بعد از امام دوازدهم می‌آید، پس چرا احمد الحسن قبل از حضرت آمده است؟!

البته این افراد در جواب سوال فوق می‌گویند که احمد الحسن هنوز خروج نکرده است که ما برای این مطلب دو جواب داریم، اول اینکه اگر قرار باشد که بعد از حضرت خروج کند دیگر کارکرد یمانی بودن را ندارد زیرا یمانی قبل از خروج حضرت می‌آید و تناقض دارد! دوم اینکه ما به این افراد که می‌گویند خروج نکرده می‌گوییم که فریبتان داده‌اند، زیرا احمد الحسن تاکنون دو خروج داشته و اقدام به قیام مسلحانه بر علیه مراجع شیعی عراق نموده است.

**ابنا: بیشترین طرفداران جریان انحرافی احمد الحسن در کدام کشور و در چه سطحی هستند؟**

- مهد این جریان انحرافی در عراق است. در بین برادران عرب زبان ما مسئله‌ای به نام بیعت وجود دارد که از قدیم رسم بوده است. مبلغین این جریان انحرافی از این مسئله سوءاستفاده کرده‌اند و طرفدارانی در بین برادران عرب زبان ما در استان خوزستان و شهر اهواز داشته‌اند. اخیراً نیز یک برنامه ریزی و کار استراتژیک و تشکیلاتی جدید بر روی حوزه‌های علمیه ما شروع کرده‌اند.

وجوه اشتراکی بین جریان احمد الحسن و وهابیت وجود دارد که حداقل آن دشمنی آنان با مرجعیت شیعی به خصوص در عراق و دیگری تکفیری بودنشان است. در بحث تکفیر خیلی راحت می‌گویند که باید ایمان بیاورید و اگر ایمان نیاورید، کافر هستند و بعضاً در فضای مجازی و حقیقی افراد مخالف خود را تهدید به مرگ می‌کنند.

**- در پایان اگر صحبتی دارید بفرمایید.**

استعمار و بیگانه از این جریان حمایت می‌کند و رشد این جریان زاینده هزینه‌هایی است که پشت سر این جریان وجود دارد. این یک جریان انحرافی است زیرا نامگذاری این جریانات به نام فرقه، جز آسیب به تشیع چیز دیگری ندارد. از بدو ظهور اسلام که همزادی اسلام با تشیع بر همگان واضح و مبرهن است، دشمنان سعی کردند تا تشیع را از مسیر اصلی خود منحرف کنند و هر اتفاقی را در این مذهب حقه حادث شد، از آن فرقه بسازند که نمونه‌های زیادی از آن داریم نظیر عبدالله بن سبأ که شخصیت افسانه‌ای است و تبدیل به یک فرقه شد که اصل تشیع را به آن نسبت می‌دهند و یا جریانات دیگر، که شاید یک نفر و یا فرق و ملل نویسان مخالف تشیع آنها را ساخته‌اند. لذا امروز ما باید با بصیرت و هوشیار باشیم تا خودمان با دست خودمان فرقه سازی نکنیم و این جریان احمد الحسن نیز یک جریان انحرافی است که حادث شده است. الحمدلله این جریان در



کمتراز ده، دوازده سال در حال افول است و مردم دسته دسته در حال اعلام برائت از این جریان هستند و چندین شبکه بزرگ مجازی اینها در همین دو هفته گذشته به دلیل نداشتن جواب برای سوالات جوانان تعطیل شد.

**ابنا: از اینکه وقت ارزشمند خود را در اختیار ما گذاشتید ممنون و متشکرم.**